

دوست همگان

رحمت از بدو طفولیت طبعی اجتماعی و مردم دوست داشت ولی ارتباطی که با چنان شدت و عمق وی را به جم غفیری از مردم پیوند می داد از عشق و ایمان وی به حضرت بهاءالله سرچشمه می گرفت. این عشق موفقیت وی را در ایجاد رابطه با نفوس مختلف و متنوع عالم تضمین می نمود و سدهای معمول از قبیل موانع فرهنگی، زبان و آداب و رسوم را در هم می شکست. او هرگز خدمتی از کسی نخواست که آماده و یا قادر به انجام آن نباشد و یا خود شخصاً آن را تجربه نکرده باشد. اگر از احباً درخواست می کرد که به هجرت اقدام کنند، به آنها قول می داد که همه گونه کمک و مساعدت به آنها خواهد کرد تا بتوانند در محل مهاجرتی مستقر گردند و به این قول و قرار وفادار می ماند. اگر پیشنهادی برای تبلیغ ارائه می داد، طرق اجرای آن را نیز به دوستان خاطر نشان می ساخت و گاه خود نیز در جریان اقدامات حضور می یافت و با آنان همراهی می کرد. برای دیدار مهاجرین و ابلاغ اخبار مورد علاقه ی آنان حتی برای چند ساعت محدود به نقاط بعید جهان مسافرت می کرد. اگر مهاجرین محتاج کمک و مساعدت بودند از هیچ کوششی مضایقه نمی نمود. یکی از مهاجرین برزیل به من اظهار داشت که: « سال ها پس از صعود دکتر مهاجر هر وقت مردی را به شکل و شمایل او مشاهده می کردم بی اختیار می خواستم فریاد بزنم که دکتر مهاجر آمده است.»

آنقدر یاران به دیدن وی عادت کرده بودند که همیشه در انتظار ورود وی به سر می بردند. از نفوذ و اثری که رحمت در زندگی خصوصی افراد در سراسر جهان داشت هنوز نیز با علاقه ی وافر یاد می شود. وی استعداد خارق العاده ای در حل و فصل مشکلات شخصی افراد از خود بروز می داد و با اظهار نظرات حکیمانه به رفع موانع و معضلات آنان می پرداخت. بسیاری از اوقات، جوانی را به هجرت به ناحیه ی مخصوصی تشجیع می نمود تا با دختری که گمان می کرد مناسب او باشد و در آن ناحیه می زیست، عقد اقتران ببندد. جالب این است که تا آنجا که من اطلاع دارم همه ی این ازدواج هایی که با کمک رحمت انجام یافته با موفقیت قرین بوده و تا کنون پایدار مانده است.

حرفه ی طبابت، او را در مقابله با مشکلات مردم مجهز می ساخت و روح خدمت و رعایت و محبت را در وی تقویت می کرد. دوستان نیز که این محبت را حس می نمودند به آن پاسخ مثبت می دادند. در ایام اقامت در منتاواي اغلب کنار تخت بیماران می نشست و دعای شفا تلاوت می نمود. با اینکه بیماران معنای دعا را درک نمی کردند ولی قسم یاد می نمودند که پس از تلاوت مناجات در حالشان بهبودی حاصل شده است. رحمت می گفت که وی در مرحله ی اول دارو برای بیماران تجویز می کند و سپس برای تقویت اثر دارو به دعا متوسل می شود. به ندرت اتفاق می افتاد که مرضی او بدرود حیات گویند.

هم اکنون عده ی بسیاری توجّه و محبت وی را در زندگی آنها چه از نقطه نظر روحانی و چه از جهت جسمانی به خاطر می آورند.

يکي از احبّاً که سال هاي متمادی مجدّانه به امر مبارك خدمت نموده بود، متأسفانه به علت اشتباهي که مرتکب گرديد، طرد اداري شد. رحمت چندین بار از وي شفاعت و وساطت کرد تا بالاخره مورد عفو قرار گرفت. پس از چند ماه که وي صعود نمود، رحمت از اینکه وي با روي شرمسار به بارگاه جمال ابهي رهسپار نشد، بسيار خوشحال بود.

يک خانواده ي بهائي در هندوستان که دو هتل پردرآمد داشتند و معمولاً تهيه ي غذا و پذيرايي از نمايندگان انجمن هاي شور روحاني ملي را عهده دار مي شدند، براي من تعريف کردند که چند سال قبل در امور تجاري شکست خورده و با زحمت بسيار و کار دائمي در يك دگه ي کوچک غذافروشي امرار معاش مي نمودند. روزي رحمت به دیدار آنها رفته و در دگه ي آنها غذا صرف نموده و خصوصاً براي اعاده ي موقفيتشان در تجارت دعا خوانده است و اکنون که تجارت آنها رونق يافته خود را موظف مي دانند که چنين خدماتي را در امر جمال مبارك به عهده بگيرند.

منبع: دکتر مهاجر نوشته ايران فروتن صفحه 609

[www.drmojajer.org]